



نقد + کتاب

دست شعریت را در دست استادش بگذار

گفت‌وگو با امید مهدی‌نژاد
شاعر و طنزپرداز

وقتی حرف از طنز می‌شود، بیشتر ما به یاد خنده می‌افتیم؛ اما طنز واقعی فراتر از خندانند است. شاعری که در این گفت‌وگو پای صحبتش نشستیم، در حوزه طنزنویسی فعالیت کرده و تجربه‌های بسیار دارد. او هم روزگار محفل‌های ادبی قدیم را دیده و هم فضای پرهیاهوی مجازی امروز را تجربه کرده است. امید مهدی‌نژاد، گردآورنده کتاب طنز «قهوه قندپهلو» در سخنانی از آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی برای شاعران نوجوان، راه‌های درست ورود به عرصه طنز و کتاب‌های خواندنی این حوزه گفته است.

از شعر طنز چه خبر؟

چند اتفاق در این سال‌ها در مقایسه با سال‌هایی که ما جوان و نوجوان بودیم و وارد این فضا می‌شدیم، رخ داده که متفاوت است. یکی از این موارد این است که در زمان ما پدیده‌هایی مثل انجمن‌های ادبی، حلقه‌های ادبی و محافل ادبی بیشتر از حالا وجود داشتند و این پدیده‌ها برای ما به مراتب مهم‌تر از جوانان امروزی بودند. اکنون ممکن است اتفاقاتی که در فضای مجازی رخ می‌دهد، برای افرادی که تازه وارد این عرصه می‌شوند، اهمیت بیشتری داشته باشد.

تفاوت این دو فضا در کجا مشخص می‌شود؟ در جایی

که من به‌عنوان یک شاعر جوان یا نوجوان، شعر خود را در یک حلقه ادبی یا محفل ادبی می‌خوانم که متشکل از شاعران جوان و نوجوان دیگر و استادان این حوزه است؛ یعنی برای مخاطب خاص شعر. وقتی آن‌ها درباره شعر من نظری می‌دهند، یک نظر کارشناسی محسوب می‌شود. من با حضور فعال در یک حلقه یا محفل ادبی، انگار مرحله‌به‌مرحله شعر خودم را با استفاده از بازخوردهای کارشناسی ارتقا می‌دهم؛ اما مثلاً در یک صفحه اینستاگرام لزوماً با مخاطب خاص شعر مواجه نیستم و چه بسا با مخاطب عام یا حتی پایین‌تر از آن روبه‌رو باشم.

آیا گشتی هم لایه‌های کتاب‌های

شعر نوجوان زده‌اید؟

به واسطه اینکه یک نوجوان در خانه دارم و دخترم به‌تازگی از کودکی وارد مرحله نوجوانی شده است، برای انتخاب کتابی برای او یا ارائه پیشنهادی برای مطالعه‌اش، آثار شعر نوجوان را دنبال می‌کنم.

در دنیایی که شعرهای کوتاه و به‌نوعی

لایک‌خور بیشتر مخاطب دارد، چگونه شعر طنز

معاصر ایران می‌تواند ما را به خود جذب کند؟

اگر شاعر بتواند خود را از آسیب‌های فضای مجازی دور نگه دارد و شعرش را به نقطه‌ای برساند که دیگر بتوان

گفت شعر درست و مؤثر و بهره‌مند از طنز صحیح است، تازه این ماجرا آغاز می‌شود که چگونه او می‌تواند با مخاطبی که به همان اندازه تحت‌تأثیر فضای مجازی است، تعامل برقرار کند. شاید اصل چالش و دعوا اینجا باشد که ما چگونه می‌توانیم خود را از آسیب‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی دور نگه داریم و در عین حال از امکاناتی که این فضا در اختیار ما قرار می‌دهد، بهره‌برداری کنیم. اصل، آن هنری است که نویسنده و شاعر امروز باید داشته باشد و این موضوع بسیار مفصل است که این شبکه‌های اجتماعی با انسان چه می‌کنند؛ حال، این انسان می‌تواند مؤلف باشد یا مخاطب.

نوجوانانی که به شعر و شاعری علاقه مندند،

بهتر است چگونه به این مسیر وارد شوند؟

توصیه من این است که حتماً با استادان این عرصه ارتباط بگیرند. اکنون خوشبختانه به نسبت گذشته امکان ارتباط با استادان از طریق فضای مجازی بسیار راحت‌تر است. من استادانی را می‌شناسم که از این ارتباط استقبال می‌کنند و تلاش می‌کنند همان‌طور که در دوره جوانی خود از محضر استادان بهره‌مند می‌شدند، اکنون نیز از طریق فضای مجازی به بچه‌ها کمک کنند.

مرز بین طنز واقعی و شوخی‌های دم‌دستی کجاست و چگونه می‌توانیم این دو را از یکدیگر جدا کنیم؟

ما از دیرباز انواع طنز و شوخ‌طبعی را داشته‌ایم؛ به‌عنوان مثال، «فکاهه» را داریم که به‌معنای شوخی است، برای این‌که بخندیم و حالمان خوش شود. این نوع طنز در جایگاه خود نه‌تنها بد نیست، بلکه خوب هم هست؛ همچنین، ما «هجو و هزل» را داشتیم که شوخی‌های ممنوعه به‌شمار می‌روند و طنز را داشتیم که در واقع، نگاهی فرهنگی‌اجتماعی پشت آن است و نقدی است که با استفاده از شوخ‌طبعی به‌وجود می‌آید.

تفاوت این دو نوع نیز در اندیشه و نگرش مؤلف آنهاست. شاعری که شعر طنز می‌گوید یا همان طنزپرداز، باید صاحب نظر و دیدگاه باشد و مطالعه داشته باشد و نظر خود را درباره وقایع و اوضاع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و غیره بیان کند. طبیعتاً طنز او نیز تحت‌تأثیر آن نگاه خواهد بود. اگر صرفاً قصد شوخی و دورهمی داشته باشد، طنزش هم چیزی جز همان دورهمی نخواهد بود.